



## حقیقت در دسرساز (An Inconvenient Truth)

کارگردان: دیویس گوگنهایم  
فیلمنامه: دیویس گوگنهایم  
موسیقی: مایکل بروک  
تدوین: جی لس کسیدی و دان سویتک  
بازیگران: آل گور  
مدت فیلم: ۱۰۰ دقیقه  
محصول آمریکا

فجایع بزرگی شده است. «دیویس گوگنهایم» یکی از عمده‌ترین این تغییرات - گرم شدن تدریجی کره‌ی زمین - را برای موضوع فیلم خود برگزیده است. شخصیت اصلی این فیلم معاون رییس‌جمهور سابق آمریکاست؛ «آل گور» که در انتخابات سال ۲۰۰۰ میلادی از جورج بوش شکست خورد فیلم به مبارزات آگاهی‌بخش او در زمینه‌ی پیشگیری و مقابله با این پدیده می‌پردازد. کاری که سال‌های زیادی از عمر آل گور را به خود اختصاص داده است. آل گور کتابی نیز در این باره به نام «حقیقت در دسرساز» نوشته که نامش را به فیلم بخشیده است. این کتاب تا مدت‌ها رتبه‌ی اول فهرست پرفروش‌های نیویورک تایمز را در اختیار داشت و فیلم ساخته‌شده بر اساس آن نیز با رقمی نزدیک به ۳۰ میلیون دلار عایدی در سینماهای آمریکا تبدیل به یک پدیده و یکی از سه فیلم مستند پرفروش تاریخ سینمای آمریکا و دنیا شده است.

دیویس گوگنهایم فرزند «چارلز گوگنهایم» (مستندساز برجسته‌ی آمریکایی، نامزد ۶ اسکار و برنده‌ی ۳ جایزه‌ی اسکار بهترین فیلم مستند) متولد ۱۹۶۴، مدیر تولید و کارگردان مجموعه‌های تلویزیونی زیادی بوده است. او در سال ۱۹۹۴ با «الیزابت شو» ازدواج کرد و با فیلم مستند تلویزیونی «سال اول» در سال ۲۰۰۱ توانست شهرت خوبی برای خود کسب کند. حقیقت در دسرساز به عنوان یک مستند آرشیوی بهترین کار گوگنهایم و یک پدیده است؛ البته بسیاری فیلم را دارای ضعف و الامه‌ی ژست‌های سیاسی آل گور و تلاش‌هایش برای مقبولیت بخشیدن بیش‌تر به حزب دموکرات می‌دانند. اما جالب این‌جاست که منتقدان لیبرال نیز روی خوشی به فیلم نشان داده‌اند. در هر صورت خطر گرم شدن تدریجی کره‌ی زمین جدی است. خطری که انسان‌ها دانسته یا ندانسته در شکل‌گیری آن سهم داشته‌اند و به زودی نتایج آن را هم به عینه خواهند دید.

نامزد بهترین فیلم مستند تلویزی از انجمن تدوینگران سینمای آمریکا، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن منتقدان رسانه‌ها، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن منتقدان فیلم شیکاگو، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن منتقدان فیلم دالاس فورت ورت، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم غیرداستانی از انجمن منتقدان فیلم فلوریدا، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن منتقدان فیلم لس‌آنجلس، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن ملی منتقدان فیلم، برنده‌ی جایزه‌ی ویژه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن ملی منتقدان فیلم آمریکا، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن منتقدان فیلم آنلاین، برنده‌ی جایزه‌ی استلی کرایمر از مراسم لورل، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن منتقدان فیلم سانفرانسیسکو، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن منتقدان فیلم واشنگتن و برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم مستند از انجمن منتقدان فیلم ساوت وسترن

### داستان فیلم

وقایع‌نگاری شخصی آل گور، معاون بیل کلینتون، درباره‌ی تغییرات اقلیمی و گرم شدن تدریجی کره‌ی زمین.

### نقد فیلم

«حقیقت در دسرساز» یک فیلم مستند معمولی نیست و همان‌گونه که از نوشته‌های روی پوسترش برمی‌آید یک اخطار است. یک اخطار جهانی! فیلم درباره‌ی معضل بزرگی است که در سال‌های اخیر زندگی همه‌ی ما را تحت‌الشعاع قرار داده، یعنی تغییرات گسترده‌ی اقلیمی که منجر به بروز



## وطنم، و ظنم (My Country, My Country)

کارگردان: لورا پویتراس  
فیلمنامه: دیوید برانکاچیو  
موسیقی: کاظم الساهر  
مدیر فیلمبرداری: لورا پویتراس  
تدوین: کتی بلک، دیوید برانکاچیو، لری گولدفاین، دیوید کرگر؛  
ارز لوفر، لورا پویتراس و جودیت وولف  
مدت فیلم: ۹۰ دقیقه - محصول آمریکا

نامزد اسکار بهترین فیلم مستند بلند نامزد جایزه بهترین فیلم مستند از مراسم روحیه‌ی مستقل، برنده‌ی جایزه‌ی سوژه‌ی بکر از جشنواره‌ی فیلم‌های مستند فول فریم، برنده‌ی جایزه‌ی حقوق بشر از جشنواره‌ی دوربین، بهترین فیلم مستند جشنواره‌ی فلاهر تیانای روسیه و برنده‌ی جایزه‌ی هنری همپتن

### داستان فیلم

شش ماه قبل از برگزاری انتخابات در عراق؛ نیمه‌ی دوم سال ۲۰۰۴ است و گروه‌هایی از سازمان ملل، نیروهای آمریکایی و استرالیایی و تعدادی از افراد محلی در حال آماده‌سازی مقدمات انتخاباتی هستند که باید در ۳۰ ژانویه‌ی ۲۰۰۵ برگزار شود، انتخاباتی که هیچ‌کس به برگزاری آن طبق برنامه اطمینان ندارد. دکتر ریاض، مسلمانی سنی که در مرکز پزشکی ادهمیه کار می‌کند، قصد دارد از سوی حزب مسلمانان سنی بغداد در این انتخابات شرکت کرده و به مجلس راه یابد، ولی آیا حزب او در انتخابات شرکت خواهد کرد؟ آیا او رأی لازم را به دست خواهد آورد؟ و از همه مهم‌تر آیا خانواده‌ی او در امنیت هستند؟

### نقد فیلم

«لورا پویتراس» از زنان فیلمساز جسور زمانه‌ی ماست که مدت زمان زیادی از فعالیتش در زمینه‌ی ساخت فیلم مستند نمی‌گذرد. او دانش‌آموخته‌ی مؤسسه‌ی هنر سانفرانسیسکو است و کارش را به عنوان دستیار تهیه‌کننده و تدوینگر مجموعه‌ی «برده‌ی تقسیم‌شده» و فیلم مستند «تبت آزاد» آغاز کرد؛ در سال ۲۰۰۳ با تهیه‌کنندگی، کارگردانی و فیلمبرداری «جنگ پرچم‌ها» نامزد دریافت جایزه‌ی واقعی‌تر از قصه از جشنواره‌ی روحیه‌ی مستقل و موفق به دریافت جوایزی از مراسم امی (اسکار تلویزیونی)، جشنواره‌ی فول فریم، پیادای و جشنواره‌ی اس. ا. اس. دبلیو شد. «وطنم، وطنم» دومین فیلم اوست که همچون جنگ پرچم‌ها به عنوان یکی از قسمت‌های مجموعه‌ی

تلویزیونی مستند «پی.ا.وی» از شبکه‌ی بی‌بی‌سی نیز به نمایش درآمده است. پویتراس این فیلم را طی ۸ ماه در عراق ساخته و هدفش از ساخت آن نمایش زندگی مردم عراق تحت اشغال نیروهای آمریکایی بوده است. او روی «دکتر ریاض» به عنوان شخصیت اصلی فیلم خود تمرکز کرده است؛ پزشکی سنی و پدر ۶ فرزند که نامزد انتخاباتی مجلس شده است. او منتقد دولت صدام حسین و اشغالگران بوده و بسیار مشتاق است که زمینه برای ایجاد حکومتی مبتنی بر دموکراسی در عراق فراهم شود، اما آن چه می‌بیند جز آشفتگی و آشوب چیزی نیست. اتاق انتظار مطب او هر روز از کسانی که از بیماری‌های روحی و جسمی رنج می‌برند پر می‌شود، کسانی که گاه پولی برای سیر کردن شکم خود نیز ندارند و دکتر ریاض از کمک مالی به آنان خودداری نمی‌کند؛ این انسان‌ها قربانی خشونت حکومت صدام و سپس نیروهای آمریکایی هستند او به دیدار زندانیان ابوغریب می‌رود و ضمن رسیدگی به درد دل آنان، از انتقاد نسبت به حکومت پویشالی و دست‌نشانده‌ی کشورش نیز ابا ندارد. با او به داخل این زندان می‌رویم و نوجوانانی را می‌بینیم که به اتهام خطرناک بودن اسیر نیروهای آمریکایی شده‌اند؛ نیروهایی که در یکی از صحنه‌های فیلم، از دست فرو بردن رهگذری به گریانش با هدف درآوردن شاید سیگاری هراسان شده و او را به استنطاق می‌کشند.

وطنم، وطنم روایتی دراماتیک از سفر شخصی دکتر ریاض به منطقه‌ی اشغالی توسط ارتش آمریکا است که با روایت‌های مدیر استرالیایی یک شرکت خصوصی حفاظتی، خبرنگاران آمریکایی و کارمندان سازمان ملل که درصدد فراهم ساختن مقدمات انتخابات هستند در هم تنیده شده است. از سوی دیگر فیلم نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که نمی‌شود دموکراسی را به دیگران تحمیل کرد و تا زمانی که خود انسان‌ها ضرورت داشتن دموکراسی و تمرین آن را درنیابند، هر گونه تلاشی با ضایعات فراوان همراه خواهد بود؛ وطنم، وطنم به خاطر همین چشم‌انداز و شهادت کارگردانش برای کار در زیر آتش، فیلم جسورانه و مدرکی است از آن چه که بر ملت عراق می‌رود!



## سیاره‌ی سفید (The White Planet)

کارگردان: تیه ری بیانتنید، ژان لمیره و تیه ری راگوبر  
فیلمنامه: تیه ری بیانتنید و استفان می به

موسیقی: برونو کولای

مدیر فیلمبرداری: ژروم بوویه، فرانسواز د ریه رول، مارتین لکلرک،

تیه ری ماچادو و دیوید ریشر

تدوین: کاترین مابلا، تیه ری راگوبر و نادین وردیه

راوی: ژان لویی اتین

مدت فیلم: ۸۶ دقیقه - محصول فرانسه و کانادا

### داستان فیلم

قطب شمال؛ سرزمینی که سرما حکمرانی می‌کند، جایی که یخ و باد سرد آن را به گونه‌ی دنیایی دیگر شکل می‌دهد، دنیایی متشکل از دریای منجمد، کوه‌های یخی غول‌آسا و صحراها و دشتهای پوشیده از برف با حیواناتی مختلف و متفاوت از دیگر جاهای کره‌ی خاکی؛ خرس‌ها، شفق قطبی، پلانکتون‌های رقص، شیرهای قطبی، بالن‌ها، پرندگان و ... جایی که پیش از نابودی‌اش بر اثر گرمایش تدریجی زمین، انتظار کشف خود را از سوی آدمیان می‌کشد!

### نقد فیلم

هنوز تصاویر انیمیشن فیلم «حقیقت دردسرساز» درباره‌ی خرس‌های قطبی که به خاطر نیافتن قطعه‌ی یخ در حال تلف شدن بودند از ذهن بسیاری پاک نشده بود که فیلم «سیاره‌ی سفید» اکران جهانی خود را آغاز کرد. سیاره‌ی سفید نیز تقریباً قطب شمال و خرس‌های قطبی را هدف قرار گرفته است؛ می‌گوییم تقریباً چون در قطب حیوانات بسیاری زندگی می‌کنند که آب شدن یخ‌ها بر اثر گرمایش تدریجی زمین حیات همگی‌شان را دچار مخاطره خواهد کرد. سیاره‌ی سفید که توسط گروهی سه نفره ساخته شده، تلاش سه انسان

است، اما تلاش حیوانات این منطقه برای بقا بدون شک دیدنی‌تر از نبرد کوتاه‌مدت سازندگان فیلم با سرماست؛ تلاشی که روی نوار سلولوئید ثبت شده تا ناله‌ی امدادخواهی این حیوانات را به گوش ما برساند که اگر آن‌ها را از مرگ تدریجی نجات ندهیم، شاید این سرنوشت گریزناپذیر ما انسان‌ها نیز باشد!

سیاره‌ی سفید سرشار از مناظر زیبا و دیده‌نشده به سبک محصولات نشنال جیوگرافی است و می‌تواند امید بیش‌تری در مقایسه با مستند «ال‌گور» به بیننده هدیه کند.

برای کشف زیبایی‌های این منطقه و نشان دادن آن به دیگر ساکنان کره‌ی زمین است تا با در پیش گرفتن اقدامات احتیاطی در آینده دست کم روند این نابودی تدریجی را کند کرده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت متوقف کنند. «تیه ری بیانتید»، «ژان لمیره» و «تیه ری راگوبر» در حوزه‌ی علم و تولید فیلم‌های مستند علمی تلویزیونی افراد شناخته‌شده‌ی هستند و سیاره‌ی سفید نخستین فیلم بلند آنان محسوب می‌شود. جسارتی که به خرج داده شده و نبرد با مخاطرات اقامت طولانی در این منطقه‌ی سرد خود به اندازه‌ی کافی دلیلی برای کیفیت بالای این تجربه‌ی بدیع



## ملت حاضری خور (Fast Food Nation)

کارگردان: ریچارد لینکلتر

فیلمنامه: اریک اسکولسر و ریچارد

لینکلتر

موسیقی: رفقای دین مارتینز

مدیر فیلمبرداری: لی دانیل

تدوین: ساندرآ آدایر

طراح صحنه: بروس کرتیس

مدت فیلم: ۱۱۶ دقیقه

محصول آمریکا و انگلستان

بازیگران:

بروس ویلیس، پاتریشیا آرکت،

بابی کانواله، پل دانو، لویس

گازمن، اتان هاوک، اشلی

جانسون، کرگ کینیر، کریس

کریستوفرسون، آوریل لاوینه،

اسای مورالس، لو تیلور بوجی،

آنا کلودیا تالانکون، ویلمر

والدرما و کاتالینا ساندینو مورنو

### داستان فیلم

دان هندرسون، مشاور بازاریابی همبرگرفروشی‌های زنجیره‌ی میکی و ابداع‌کننده‌ی همبرگر بیگ وان است. وقتی دان در سفری کاری به مراکز پرورش گاوها و تولید محصولات شرکت کشف می‌کند که همبرگر ابداعی و پرورش او از چه روش‌هایی تهیه می‌گردد دچار شوک می‌شود. اغلب کارگران شرکت، مکزیکی‌های فقیری هستند که برای یافتن کار به شکل قاچاق وارد آمریکا می‌شوند؛ کسانی که اگر زن باشند مورد آزار سرکارگراها قرار گرفته و در صورتی که مرد بوده و دچار سوانح حین کار شوند یا پرونده‌سازی از دریافت حقوق قانونی خود محروم می‌شوند. هم‌زمان با سفر دان گروهی جوان نیز تصمیم دارند تا توجه مردم و رسانه‌ها را به وقایع رخ داده شده در گاوداری‌ها و شرکت تولید همبرگر میکی جلب کنند، اما نه آنان و نه میکی موفق نمی‌شوند. جوان‌ها کشف می‌کنند که رؤسای شرکت و نزدیکان آنان با سیاستمداران روابط خانوادگی و دوستانه دارند و نقشه‌شان برای فراری دادن گاوها نیز ناموفق می‌ماند ...

### نقد فیلم

دوستداران ادبیات آمریکا و خوانندگان آثاری با صبغی افشاگرانه، کتاب «جنگل» نوشته‌ی «آپتون سینکلر» را به یاد دارند؛ کتابی تکان‌دهنده درباره‌ی کشتارگاه‌ها و شرکت‌های بسته‌بندی گوشت در آمریکا که بسیاری را بعد از خواندن، دچار نفرت از نظام سرمایه‌داری گوشتخواری لائقل در شکل فراورده‌ی صنعتی آن می‌کرد. «ملت حاضری‌خور» با گذشت ۱۰۰ سال از نوشته شدن کتاب جنگل ساخته شده و نشان

می‌دهد که مشکلات مورد اشاره‌ی سینکلر هنوز در آمریکای متمدن به همان شدت و حدت وجود دارد!

ملت حاضری‌خور پس از «بیش در تاریکی»، دیگر ساخته‌ی «ریچارد لینکلتر»، اکران شد و به دلیل مستند بودنش و فقدان منبع اقتباس مشهوری چون داستان‌های «فلیپ کی دیک» شکست سختی در گیشه خورد. ملت حاضری‌خور که در مقایسه با فیلم مستند «سایز فوق‌العاده بزرگ من» ساخته‌ی «مورگان اسپرولاک» فیلم سنجیده‌تر، خوش‌ساخت‌تر و ماندگارتری است، فدای بی‌توجهی جاق‌ترین ملت دنیا به نحوه‌ی تولید اصلی‌ترین غذایش شد؛ اتفاقی که برای سایز فوق‌العاده بزرگ من نیفتاد و با وجود مستند بودنش از اقبال تجاری معقولی بهره‌مند شد، هرچند در این اقبال نامزدی اسکار نیز چندان بی‌تأثیر نبود. هدف اسپرولاک تصویر کردن صدمات ناشی از خوردن غذای حاضری بود تا نحوه‌ی تولید آن، اما لینکلتر نگاهی دقیق‌تر، جامع‌تر و تلخ‌تر به این مشکل دارد؛ سیستم بی‌رحمی که دچار فساد شده و سیاستمداران فاسد را نیز به حمایت خود جلب کرده است. شاید تماشاگران آمریکایی علاقه‌ی به این سبک فیلم‌های افشاگرانه و واقع‌گرایانه نداشته باشند که البته عجیب نیست؛ حتی حضور بازیگران سرشناسی چون «بروس ویلیس»، «پاتریشیا آرکت»، «کرگ کینیر» و «اتان هاوک» در نقش‌هایی کوچک در کنار شهرت خود لینکلتر نیز نتوانست آنان را به تماشای فیلمی چنین جدی جذب کند، گرچه این موضوع از اهمیت فیلم ملت حاضری‌خور کم نمی‌کند و برعکس بر درستی وقایع تصویرشده در فیلم صحنه می‌گذارد. در یک کلام می‌توان گفت ملت حاضری‌خور با وجود سوزی به‌ی‌ظاهر کوچکش حقایق تلخ و بزرگی را به بینندگان عرضه می‌کند!

## سیکو (Sicko)



کارگردان: مایکل مور  
فیلمنامه: مایکل مور  
موسیقی: آرتین اوهارا  
مدیر فیلمبرداری: کریستن جانسون  
تدوین: دن سوئیتلک، جنوفری  
ریچمن و کریستوفر سوارد  
بازیگران: مایکل مور  
مدت فیلم: ۱۲۳ دقیقه  
محصول آمریکا

### داستان فیلم

فیلم مستندی از مایکل مور درباره‌ی سیستم بهداشت و درمان آمریکا؛ در این فیلم، مور سیستم بهداشت و درمان آمریکا را با کشورهای چون انگلستان، فرانسه، کانادا و حتی کوبا مقایسه کرده و آن را به شدت به چالش کشیده است. خواسته‌ی نهایی فیلم، سوسیالیستی شدن بهداشت و درمان در آمریکاست و مور نشان می‌دهد اگرچه دولت آمریکا مدعی استفاده از سیستم سرمایه‌داری آزاد برای بهداشت و درمان است ولی تجارب موفقی نیز در سیستم دولتی - بخصوص در اداره‌ی سامانه‌ی بهداشت و درمان زنانها - دارد که باید آن را به کل جامعه‌ی آمریکا تعمیم دهد!

### نقد فیلم

«مایکل مور» در دنیای مستندسازی شناخته‌شده‌تر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد. فیلم پرسر و صدای «بولینگ برای کلمباین» که مسایل پشت پرده‌ی اجازه‌ی حمل سلاح گرم در آمریکا را نشانه گرفته بود درست وسط هدف خورد و از مور کارگردانی مسئول، آگاه و اهل ریسک در کار مستندسازی ساخت. جایزه‌ی اسکار بهترین فیلم مستند به همراه چندین جایزه‌ی دیگر که به همین فیلم تعلق گرفت موفقیت او را در آمریکا به شدت تحکیم کرد. شهرت بی‌سابقه‌ی این روزهای مور اما به فیلم بعدی‌اش «فازنه‌ی ۹/۱۱» برمی‌گردد که موضوع حمله به برج‌های دوقلو در نیویورک را در مرکز توجهش داشت؛ فیلمی که در بحبوحه‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا روی پرده رفت و به اعتقاد اغلب کارشناسان بیش‌تر یک فیلم تبلیغاتی سیاسی برای رقیب دموکرات جورج بوش بود تا یک فیلم به‌راستی افشاگر اسرار پشت پرده‌ی که در نهایت به فاجعه‌ی ۱۱ سپتامبر انجامید با این همه همین فیلم مستند به بخش مسابقه‌ی جشنواره‌ی جهانی فیلم کن راه می‌یابد و جایزه‌ی اصلی جشنواره را هم می‌برد. موضع‌گیری‌های مستقیم سیاسی مایکل مور که حالا شهرتی جهانی یافته بود، در طول مبارزات انتخاباتی دو حزب رقیب در آمریکا در همان ۳ سال پیش او را از مستندسازی متعهد به واقعیت به مستندسازی متعهد به یک سیاست معین تقلیل داده بود، اما برخلاف انتظار فیلم «سیکو» نه تنها در جهت فیلم پیشین او نبود بلکه حتی در افشای حقایق پنهان یک گام جلوتر از فیلم بولینگ برای کلمباین بود.

سیکو در یک کلام در مورد بهره‌کشی غیرانسانی شرکت‌های بزرگ بیمه‌ی درمانی در آمریکاست که برای چپاول مشتری‌هایشان به هیچ قید و بند انسانی و اخلاقی پای‌بند نیستند و با فشار پول از وضع قوانین به نفع مردم در مجلس جلوگیری می‌کنند و بی‌آن که دستشان رو شود ثروت‌های میلیونی به قیمت فنا کردن جان مشتری‌هایشان به جیب می‌زنند! فیلم هم‌چنین در مورد سیاست‌های دولتمردان آمریکا از هر دو گروه دموکرات و جمهوری‌خواه است، دولتمردانی که تنها به شعار دادن اکتفا می‌کنند و کاری جز پنهان کردن واقعیت در مورد وضعیت نابسامان بیمه‌ی درمانی در آمریکا ندارند. ■

## جان وین در یک نگاه



«جان وین» در ۲۶ ژوئن سال ۱۹۰۷ در شهر وینترست به دنیا آمد. پدرش «کلاید موریسون» داروساز و مادرش «ماری» نام داشت، به همین خاطر نام او در ابتدا «ماریون موریسون» بود. پس از مدتی به علت مشکلات ربوی پدر، خانواده‌ی موریسون به منطقه‌ی گرم‌تری در جنوب کالیفرنیا به نام صحرائی موازوه نقل مکان کردند و در آن‌جا به زراعت پرداختند تا این‌که به دلیل موفق نشدن در کار زراعت آن‌جا را به مقصد گلندل ترک کردند تا ماریون جوان بتواند با روزنامه‌فروشی مخارج درمان پدرش را بپردازد. ماریون در سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷ به مدرسه‌ی فوتبال جنوب کالیفرنیا پیوست و در کنار آن به کار فروشندگی و دلالی بلیت بازی‌های فوتبال مشغول شد و در همین زمان بود که در اثر آشنایی با «جان فورد» توانست با بروز استعدادهای ذاتی خود نظر او را به خود جلب کرده و برای نخستین بار در سال ۱۹۳۰ با بازی در فیلم «مردها بدون زن‌ها» پا به دنیای سینما بگذارد. ماریون موریسون پس از بازی در فیلم «تعقیب بزرگ» نام خود را به جان وین تغییر داد. وین در دوران بازیگری‌اش در ۲۰۰ فیلم ایفای نقش کرد که «دل‌یجان»، «ظهر»، «فاتح» و «آل‌مو» از جمله فیلم‌های معتبر او هستند. این بازیگر ارزشمند سینما از سال ۱۹۶۴ با سرطان ریه مبارزه می‌کرد تا آن‌که در مارس ۱۹۷۸ تحت جراحی تعویض دریچه‌ی قلب قرار گرفت، اما در ژانویه‌ی ۱۹۷۹ سرطان به دستگاه گوارشی او رسید و به تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۷۹ درگذشت. آن چه می‌خوانید ترجمه‌ی یکی از جذاب‌ترین گفت‌وگوهای جان وین است که مدتی پیش از شدت یافتن بیماری‌اش انجام شده بود.